

احوال شخصیه چیست؟

اصطلاح احوال شخصیه به دلیل جدید بودنش، برای اکثر شهروندان کشور ما روشن و تعریف شده نیست. زمانی که قانون احوال شخصیه اهل تشیع در پارلمان به تصویب رسید و از طرف رییس جمهور توشیح شد، برخی مواد آن در ارتباط با حقوق زنان مورد اعتراض گروههای مدافع حقوق بشر و زنان قرار گرفتند و جریان آن در سطح رسانه ها انعکاس گسترده یافت و مخالفت ها و موافقت هایی را در جامعه به وجود آورد.

پس از آن بود که این سوال در سطح عامه مردم مطرح شد که قانون احوال شخصیه چیست؟ و چرا در مورد آن تا این اندازه بحث صورت می گیرد؟

نوشته حاضر به بهانه اصلاح و تصویب قانون احوال شخصیه اهل تشیع، این اصطلاح را ابتدا تعریف می کنیم که اصلا احوال شخصیه چه است؟ در اخیر روی مصادق آن اندک روشنی می اندازیم تا معنا و مفهوم آن برای مردم ما قابل فهم تر گردد.

تعریف احوال شخصیه

احوال شخصیه یک اصطلاح نسبتاً جدید حقوقی است که در حقوق مدنی و حقوق بین الملل خصوصی امروزی به کار می رود. این اصطلاح در متون دینی ما سابقه ندارد، البته مصادق آن مورد بحث قرار گرفته است.

احوال شخصیه یک سری اوصافی را شامل می شود که مربوط به شخص است و با شغل و مقام خاص شخص در اجتماع ارتباط ندارد و قابل قیمت گذاری و مبادله با پول هم نیست؛ اما از لحاظ حقوق مدنی تأثیری بر آن بازمی شود.

اصطلاح احوال شخصیه گاهی در مقابل احوال عینیه به کار می رود که به مسایل مالی مربوط می شود.

برخی از حقوقدانان احوال شخصیه را چنین تعریف کرده اند:

احوال شخصیه به معنای اوصاف و خصوصیات است که وضع وهویت شخصی و حقوقی و تکالیف فرد را در اجتماع معین می کند.

بعضی دیگر گفته اند: احوال شخصیه عبارت است از مجموع صفات انسان که به اعتبار آنها یک شخص در اجتماع دارای

حقوق شده و آن حقوق را اجرا می کند، مانند: تابعیت، ازدواج، اسم، اقامتگاه، اهلیت و غیره

دیوان تمیز مصر در تعریف احوال شخصیه آورده است که: احوال شخصیه مجموعه صفات طبیعی یا خانوادگی است که موجب تمایز انسان از دیگران و منشأ اثر حقوقی در زندگی اجتماعی می گردد.

اصطلاح احوال شخصیه در افغانستان برای نخستین بار در قانون اساسی سال ۱۳۸۲ به کار رفت و در اصل یکصد و سی و یکم قانون فوق چنین تصریح گردید که: " محاکم برای اهل تشیع در قضایای مربوط به احوال شخصیه، احکام مذهب تشیع را مطابق به احکام قانون تطبیق می نماید."

مصادق احوال شخصیه

داکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی می گوید مصادق احوال شخصیه را اوصافی مانند: طلاق، افتراق، جهیزیه، مهر، ابوت، نسب، فرزند خواندگی، اهلیت، رشد، قیمومیت، ولایت، حجر، ارث، وصیت و تصفیه ترکه تشکیل می دهد.

داکتر وهبت الزحیلی در کتاب الفقه الاسلامیه و ادلته (ج ۹) می نویسد که احوال شخصیه احکامی را که رابطه انسان را با فامیلش تنظیم می نماید، احتوا می نماید که از ازدواج آغاز می شود و به تصفیه ترکه ختم می گردد. از نظر زحیلی احوال شخصیه در کل موارد زیر را شامل می شود:

۱- احکام اهلیت، ولایت و وصایت بر صغار

۲- احکام مربوط به حقوق فامیل؛ مانند خواستگاری، نامزدی، نکاح، حقوق مالی و غیر مالی زوجین، انحلال عقد ازدواج، حقوق اطفال از قبیل نسب، رضاعو نفقه...

۳- احکام مربوط به فامیل مانند: میراث، وصیت، وقف و...

بنابراین می توان گفت که احوال شخصیه مسایل مربوط به ازدواج و متعلقات آن، نسب و آثار حقوقی آن، وصیت و میراث را در برمی گیرد.

فیض الله خواجه امانی ۳۰ ام سرطان تفریق از دیدگاه قانون مدنی

به ادامه شماره قبلی

در ماده (۱۳۱) قانون مدنی کشور تصریح گردیده است که «عقد ازدواج با فسخ، طلاق، خلع یا تفریق مطابق به احکام مندرج این قانون منحل می گردد.» در رابطه به فسخ در شماره قبلی تذکر داده شد. اکنون سعی به عمل می آید تا در رابطه به تفریق از دیدگاه قانون مدنی توضیحاتی ارائه گردد.

تفریق از فرقت گرفته شده به معنی جدائی است، به این معنی که زن از شوهر جدا می شود که عوامل آن در ذیل تشریح می گردد.

تفریق در قانون مدنی کشور ما درحالات ذیل پیش بینی گردیده است. تفریق به سبب عیب، تفریق به سبب ضرر، تفریق به سبب عدم انفاق و تفریق به سبب غیابت.

تفریق به سبب عیب

ماده (۱۷۶) قانون مدنی مشعر است «زوجه وقتی می تواند مطالبه تفریق نماید، که زوج مبتلا به مرضی باشد که اعاده صحت وی غیر ممکن یا مدت طولانی برای معالجه او لازم باشد، به نحوی که معاشرت با زوج بدون ضرر کلی متعذر باشد.» مثلاً مردی با زنی ازدواج می نماید اما مرد مذکور مبتلا به مرض توبرکلوز، ایدز و یا سایر امراض می باشد که یا اصلاً امکان تداوی آن نیست و یا اگر تداوی هم شود تداوی آن مدت زیاد را در بر می گیرد؛ لذا در چنین حالتی زن می تواند که بنابر دلایل فوق به محکمه مراجعه و تقاضای تفریق را نماید، اما یک نکته را باید در نظر گرفت و آن اینکه مطابق ماده (۱۷۷) قانون مدنی اگر زوجه از عیوب ماده (۱۷۶) با خبر بوده با آن هم به ازدواج رضایت نشان داده باشد، نمی تواند تقاضای تفریق نماید. زیرا که قبلاً موافقه نشان داده و به اساس همان موافقه عقد ازدواج صورت گرفته است. البته در تثبیت عیوب متذکره از نظر اهل خبره استفاده به عمل می آید. تفریق به سبب عیب، طلاق باین است بنابراین اگر یکی از زوجین که به سبب عیب تفریق بین شان واقع گردیده، فوت نماید، مستحق میراث یکی از دیگری نمی گردند. طلاق باین را ماده (۱۴۶) قانون مدنی چنین بیان می دارد. «طلاق به طور عموم رجعی و در موارد ذیل باین می باشد. ۱- طلاق سوم، ۲- طلاق قبل دخول، ۳- طلاق به عوض، ۴- طلاق که در این قانون باین خوانده شده»

تفریق به سبب ضرر

در ماده (۱۸۳) قانون مدنی کشور آمده «هرگاه زوجه از معاشرت با زوج ضرری را ادعا کند که دوام معاشرت را در چنین حالت بین امثال زوجین غیر ممکن گرداند، می تواند از محکمه مطالبه تفریق نماید.» اگر ضرر مورد ادعا ثابت گردید و اصلاح بین زوجین ممکن نباشد، محکمه به تفریق حکم می کند؛ اما اگر ضرر مورد ادعا ثابت نگردید و زوجه به ادعای خود اصرار ورزید، محکمه در این صورت دو شخص عادل را یکی از اقارب زوج و دیگری از اقارب زوجه، جهت اصلاح تعیین می نماید و اگر از اقارب زوجین کسی نباشد، حکم از اشخاصی تعیین می گردد که از احوال زوجین معلومات داشته و به اصلاح بین شان قادر باشند. هرگاه حکم به اصلاح شان موفق نشود در این صورت منشأ اختلاف اگر زوج باشد یا زوجه یا معلوم نشده باشد که منشأ اختلاف کدام یکی بوده، محکمه در هر حالت به تفریق در میان شان حکم می کند.

تفریق به سبب عدم انفاق

در ماده (۱۹۱) قانون مدنی آمده «هرگاه زوج از ادای نفقه امتناع ورزد درحالی که ظاهراً مالک دارایی نبوده و عجز وی از ادای نفقه نیز ثابت شده نتواند، زوجه می تواند مطالبه تفریق نماید.»

هرگاه زوج عجز خود را از ادای نفقه ثابت نماید محکمه مدت مناسب را که از سه ماه تجاوز ننماید به وی مهلت می‌دهد در صورتی که زوج بازهم با سپری شدن مدت مذکور نتواند نفقه به خانم خود تهیه نماید، محکمه به تفریق بین شان حکم می‌نماید؛ اما ناگفته نباید گذاشت که تفریق به سبب عدم انفاق، در حکم طلاق رجعی می‌باشد؛ بنابراین آن زوج می‌تواند در خلال عدت به زوجه اش رجوع نماید، اما به این شرط که زوج توان مالی پیدا کرده باشد و آمادگی خود را به ادای نفقه ثابت کرده باشد.

تفریق به سبب غیابت

ماده (۱۸۴) قانون مدنی در زمینه چنین صراحت دارد «هرگاه زوج مدت سه سال یا زیاده از آن بدون عذر معقول غایب گردد، در صورتی که زوجه از غیابت وی متضرر شود، می‌تواند از محکمه مطالبه تفریق نماید. گرچه زوج مالک دارائی بوده و زوجه از آن نفقه خود را تأمین کرده بتواند.»

در صورت غیاب زوج، محکمه بعد از استماع یا شنیدن تفریق از طرف زوجه، موضوع را به زوج کتباً اطلاع داده یا به اعلان سپرده مدت را تعیین می‌نماید تا در این مدت به مسکن خود عودت یا زوجه خود را به محلی که زندگی می‌کند طلب نماید. در این صورت اگر بازهم زوج به غیابت ادامه می‌دهد (البته در صورتی که اعلان را شنیده باشد یا اصلاً وصول اعلان به زوج غیر ممکن باشد) تحت چنین شرایط یا احوال محکمه به تفریق بین زوجین حکم می‌نماید. موضوع حسب به اثر ارتکاب جرایم جنایی نیز یکی از مباحث عمده در تفریق به حساب می‌آید در صورتی که زوج به حکم قطعی و نهائی محکمه به حبس ده سال یا زیاده از آن محکوم به جزا می‌شود، زوجه می‌تواند بعد از سپری شدن پنج سال مطالبه تفریق نماید گرچه زوج محبوس توان ادای نفقه زوجه خود را داشته باشد. تفریق به سبب غیابت نیز به حکم طلاق رجعی می‌باشد هرگاه زوج غایب حاضر و یا زوج محبوس رها گردد، می‌تواند قبل از تکمیل عدت به زوجه خود رجوع نماید.

خشونت علیه زنانو پیامدهای آن

خشونت علیه زنان از معضلات اجتماعی بسیاری از جوامع بشری بوده و این پدیده بیشتر در ممالک توسعه نیافته دیده می‌شود.

خشونت به اعمال و رفتار نامناسب، که مغایر کرامت انسانی باشد و انسان را در معرض اضطراب و پریشانی قراردادهو آرامش روحی و جسمی وی را سلب نماید گفته می‌شود.

نگاهی به آمار خشونت علیه زنان در جهان نشان می‌دهد که در نقاط مختلف دنیا بین ۱۶ تا ۲۵ درصد از زنان با خشونت‌های جسمی توسط شرکای زندگیشان در رنج بوده و حداقل یک زن از هر پنج زن در زندگی خود مورد تجاوز یا در معرض آن قرار گرفته است.

آموزه هایدین مبین اسلام چهارده قرن قبل خشونت را به هر نوعی که باشد منع نموده و پیروان خود را به حفظ کرامت انسانی زن دعوت کرده و شوهر را ملزم به رعایت حقوق زوجه دانسته و مردم را به حسن معاشرت با زنان سفارش نموده است. (سوره نساء آیه ۱۹)

همچنان پیامبر گرامی اسلام (ص) درباره رفتار نیک با زنان می‌فرماید:

"بهترین شما نزد من، خوش اخلاق ترین شماست و خوش اخلاق ترین شما کسی است که به همسر و خانواده اش خوش خلق باشد."

سازمان ملل متحد نیز در سال ۱۹۹۹ مطابق ۱۳۷۸ خورشیدی طی تصویب قطعنامه (۵۴/۱۳۴) ۲۵ نوامبر را روز جهانی رفع خشونت علیه زنان نامگذاری نمود این روز همه ساله در سراسر دنیا تجلیل می‌شود با وجود این همه تلاش‌ها و اقداماتی که در سطح ملی و بین‌المللی صورت می‌پذیرد هنوز هم خشونت به اشکال گوناگون علیه زنان اعمال می‌گردد و به نحوی از انحاء آسایش و آرامش را از زندگی آنان سلب نموده است.

آمار صندوق جمعیت سازمان ملل متحد تخمین زده است که هر سال پنج هزار زن در سراسر جهان توسط خانواده های خود به دلایلی به قتل می رسند.

به گزارش سازمان ملل از هر سه زن در جهان، حداقل یکی کتک خورده، به اجبار وادار به عمل جنسی شده یا به طرق دیگر در طول عمرش مورد بد رفتاری قرار گرفته است. بر اساس همین گزارش معمولاً هر فردی که این بد رفتاری ها را مرتکب می شود آشنای اوست. خشونت علیه زنان فراگیرترین نقض حقوق بشر در تاریخ بشر تا به امروز است.

متأسفانه این فراگیرترین نقض حقوق بشر پنهان ترین شکل خشونت نیز هست و ترس و شرم همچنان مانع از آن می شود که زنان و دختران از آن سخن بگویند و اطلاعات دقیق جمع آوری شود. البته در دو دهه اخیر پیشرفت های زیادی در مقابله با این مسئله شده و حداقل به شکل بازتری مطرح شده و در دستور کار نهادهای بین المللی قرار گرفته است.

آمار و ارقام ذیلگوشه یی از یافته های سازمان ملل در گزارش سال ۲۰۰۶ پیرامون خشونت علیه زنان می باشد: " در ۷۱ کشور بخش قابل توجهی از زنان از خشونت جسمی، جنسی یا روانی رنج می برند.

شریک زندگی (Partner) صورت می گیرد. از هر سه زن در جهان یکی قربانی خشونت خانگی است.

درصد زنان در اتیوپی توسط همسر یا شریک زندگی خود مورد خشونت جنسی قرار می گیرند.

فراگیر است. برای نمونه در مصر ۱۰ درصد و در شیلی ۵۱ درصد زنان از خشونت روانی جدی در رنجند.

درصد زنانی که کشته شده اند، همسر یا دوست پسرشان بوده است. در کلمبیا هر شش روز یک زن توسط شریک فعلی یا سابق زندگی اش به قتل می رسد.

سازمان عفو بین الملل اخیراً با اشاره به خشونت علیه زنان در جوامع سنتی گفت در کشور ی مانند افغانستان که سنت های زندگی فئودالی بسیار ریشه دار است به زن بچشم دارایی نگاه می کنند و تجاوز به حقوق آنان بدون مجازات می ماند.

اجبار و تفاوت آن با اکراه و اضطرار

اجبار در لغت به معنی جبر وارد کردن، به زور و داشتن به کار و مجبور کردن می باشد. در اصطلاح حقوقی و داشتن قهر دیگری است بر انجام یا عدم انجام فعلی به نحوی که قصد و رضای مجبور شونده زایل گردد و به خواست اجبار کننده که انجام فعل یا ترک فعل مجرمانه است تسلیم شود.

اجبار عبارت از حالتی است که شخص با وجود داشتن قدرت تصمیم گیری از لحاظ جسمی، عقلی و روانی در اثر فشار و اجباری که بالای وی وارد گردیده قصد و اراده وی را زایل نموده، راهی به جز از اجرا و یا ترک عملی که در قانون جرم تلقی گردیده، وجود ندارد.

اجبار به معنی وسیع آن شامل اکراه و اضطرار نیز می شود اما از لحاظ مفهوم حقوقی شرایط و عناصر آنها تفاوت دارد.

تعریف اکراه

اکراه عبارت از فعلی است که شخص دیگری را به ارتکاب عمل ناجایز طوری تهدید نماید که رضا و اختیار وی را سلب کند.

تهدیدی که در مورد صورت می گیرد، باید نتیجه آن از نتیجه عمل جرمی که شخص به ارتکاب آن تهدید شده، بیشتر باشد که این تهدید یا عملی شده یا امکان وقوع آن حتمی باشد.

تعریف اضطرار

اضطرار آن است که شخص در حالتی قرار گیرد که جز ارتکاب جرم راه و وسیله دیگری نزد وی وجود نداشته باشد. پس اجبار آن است که به اثر فشار خارجی اراده آزاد شخص زایل گردیده و وی را مجبور به ارتکاب عمل مجرمانه می سازد.

حال آن که در اکراه با بکار بردن یک سلسله عملیات باعث مختل شدن رضایت شخص می گردد و در اثر فشار مادی و معنوی ویرا وادار به اجرا و یا عدم اجرا عمل جرمی گرداند.

اضطرار وقتی واقع می گردد که شخص به خاطر دفع ضرر یا خطری که جان، مال و ناموس خود یا دیگری را تهدید می کند و او را وادار به ارتکاب عمل جرمی می نماید.

اجبار حالت شدید تر نسبت به اکراه است زیرا، در اکراه رضایت وجود ندارد رضایت در اثر فشار نامشروع مادی یا معنوی ساقط می گردد، ولی با آن هم نزد شخص مکره قصد اجرای عمل جرمی وجود دارد.

در حالی که در اجبار اختیار، رضایت و قصد ارتکاب جرمی ساقط می شود. زیرا موجودیت فشار به شکل جبری شخص را قهراً به ارتکاب عمل جرمی وادار می سازد.

اضطرار حالت نسبتاً ضعیف تر از دو حالت اجبار و اکراه است. در اضطرار شخص مضطر به خاطر نجات جان، مال یا ناموس خود یا دیگری به اختیار خود مرتکب عمل جرمی می شود، اراده مضطر در ارتکاب جرم آزاد است عامل خارجی وجود ندارد؛ بلکه در اثر فشارهای داخلی و عوامل درونی شخص به خاطر حفظ منافع جانی، مالی و آبرو در وضع و حالتی قرار می گیرد که به ناچار به ارتکاب جرم دست می زند.

موجودیت فشار خارجی یا اعمال مادی و معنوی در اجبار و اکراه امر بس مهم و ضروری است به خطری که اگر تهدید، تخویف، ترس از مرگ و صدمات بدنی وجود نداشته باشد شخص تحت اجبار و اکراه قرار نمی گیرد.

چون اضطرار در حالت وقوع دو ضرر یکی خطر مال، جان، ناموس خود یا دیگری می باشد و دیگری عمل ارتكابی جرم، که باید یکی را انتخاب نمود. از آن دو وقت ضرورت و اضطرار یکی از عوامل معافیت از مجازات شده می تواند. و در حالت اجبار و اکراه که از جمله عوامل شخصی داخلی بوده سبب رفع یا زایل شدن مسئولیت جزایی می گردد.

در قانون جزائیا حکامی به شکلعمومیدر رابطه به اکراه و اجبار است به اساس آن در صورت تحقق حالات پیشینی شده در قانون شخصی که جرم را تحت تاثیر اجبار و اکراه مرتکب گردیده از مسئولیت جزائی و تطبیق جزا معاف دانسته شده است).

در قانون مدنی با استفاده از احکام فقهی اکراه در ساحه مدنی یکی از عیوب رضا در عقد دانسته شده است.

در قانون جزائی احکامی به شکل عمومی در رابطه به اکراه و اجبار است به اساس آن در صورت تحقق حالات پیش بینی شده در قانون شخصی که جرم را تحت تاثیر اجبار و اکراه مرتکب گردیده از مسئولیت جزائی و تطبیق جزا معاف دانسته شده است.

در قانون مدنی با استفاده از احکام فقهی اکراه در ساحه مدنی یکی از عیوب رضا در عقد دانسته شده است

برخی از مفاهیم انتخاباتی

دردانه فضائلی

انتخابات از نظر لغوی به معنی بر گزیدن و اختیار کردن است و در اصطلاح عبارت از روش و شیوه ای است برای بر گزیدن تعداد معینی از افراد از میان شمار کثیری از کسانی که برای تصدی یک منصب یا مقام خود را کاندید کرده اند. انتخابات در عصر حاضر از جلوه های مهم حیات سیاسی بشر محسوب گردیده و شرکت در آن به منظور گزینش زعمیم ملی برای کنترل قدرت یک حق بحساب می آید. و این امر وسیله ای است که از طریق آن همه اقشار ملت در تعیین سرنوشت خویش سهم می گیرند.

انتخابات به معنی امروزی بصورتبسیار ابتدایی و ساده‌از قرن ۱۷ بدین سو برای اولین بار در انگلیستان و بعد در سایر کشورها رائج و گسترش یافت. سرانجام انتخابات سیر تکاملی خویش را پیموده‌و بصورت یک نظام وارد سیستم حقوقی کشورهای جهان شد.

هدف از برگزاری انتخابات مشارکت مردم در تعیین سرنوشتسیاسی، اجتماعی و اقتصادیاز طریق نمایندگان شان می‌باشد. انتخابات زمانی مبین اراده سیاسی مردمملقی می‌گردد که آزاد و عادلانه برگزار گردد. حاکمیتی که با پروسه انتخابات شکل می‌پذیرد و با مشارکت انتخاباتی مشروعیت و اقتدار کسب می‌کند و با انتخابات هم از حکومت کنار می‌رود در حقیقت تبیین‌کننده اراده مردم در ساختار قدرت سیاسی می‌باشد.

اجزای متشکله انتخابات:

۱- برگزاری کنندگان

در اکثر کشورها کمیسیون مستقل انتخابات ایجاد گردیده و با همکاری احزاب، نهادهای مدنیو فرهنگیو اجتماعی پروسه انتخابات را به پیش می‌برند.

۲- انتخاب شوندهگان

کاندیدهای انتخاباتی که بعضاً دارای وابستگی حزبی و گروهی نیز می‌باشند علاوه بر ویژگیهای شخصی دارای سوابق مدیریتی و خدمتی هم هستند.

۳- انتخاب کنندگان

اشخاصی اند که برای واگذاری قدرت و انتقال آن به کاندیدهای انتخاباتی وارد عرصه انتخابات می‌شوند آنها واجد شرایط انتخاباتی (سن ۱۸ سالگی، تابعیت افغانستان، عدم محرومیت از حقوق سیاسی و مدنی و درج نام در لیست رای دهندگان) بوده و دارای حق یک رای می‌باشند.

۴- نظام های انتخاباتی

عبارت از قوانینی است که هر کشور برای برگزاری انتخابات وضع کرده و شرایط انتخاب کننده، انتخاب شونده و نحوه برگزاری انتخابات و سایر امور مربوط به انتخابات در آن مشخص شده است.

۵- فضای حاکم بر انتخابات

فضای حاکم بر انتخابات حالتی است که در زمان برگزاری انتخابات از نظر سیاسی، فرهنگی و اقتصادیرول مهمی را ایفاءمی‌کند زیرا در هنگام انتخابات رابطه متقابل دولت و جامعه را در مشارکت انتخاباتیبه نمایش خواهد گذاشت. درانتخابات ریاست جمهوری ۲۹ اسد سال ۱۳۸۸، نه تنها رئیس جمهور انتخاب خواهد شد بلکه سیاست های ۵ سال آینده کشور نیز با رای ملت رقم خواهد خورد. حضور در انتخابات یک عمل حقوقی - سیاسی است نه تکلیف. زیرا قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، اعلامیه جهانی حقوق بشر و هم اعلامیه شورای اتحادیه بین المجالس، شرکت در انتخابات را حق شهروندی افراد تلقی می‌نماید. چنانچه ماده ۳۳ قانون اساسی در این زمینه چنین صراحت دارد: «اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می‌باشند.» بند یک ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز در این زمینه قرار ذیل مشعر است: «هر کس حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود خواه مستقیماً و خواه با وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند، شرکت جوید.» در اعلامیه شورای اتحادیه بین المجالس که در ۲۶ مارچ سال ۱۹۹۴ تشکیل و به اتفاق آراء در پاریس تصویب شد، بند اول آن چنین اشعار دارد: «در هر کشور، اقتدار دولت تنها می‌تواند از اراده مردم منبعت گردد، مردمی که در انتخابات واقعی، آزاد و منصفانه و در ادوار منظم با رای گیری فراگیر، مساوی و مخفیانه شرکت می‌کنند.»

همانطوری که ملاحظه شد حق انتخاب، چه انتخاب شدن و چه انتخاب کردن از حقوق اولیه و بدیهی هر فرد و شهروند است که خداوند به وی اعطا کرده است که وجه تمایز او با سایر موجودات می‌باشد. پس شرکت در انتخابات یعنی شرکت

در تعیین سرنوشت کشور و شرکت در انتخابات حق قانونی و ذاتی هر انسان می باشد و هیچ کس نمی تواند این حق را از وی سلب نماید.

انتخابات آزاد، سالم و عادلانه در صورتی محقق خواهد شد که هر کس آزادانه خودش را کاندید نموده و مردم هم با اختیار تمام بتواند به کاندیدای مورد نظر خود رای بدهند. خوشبختانه قانون انتخابات در مورد فوق چنین صراحت دارد: رای دهندگان در انتخابات با اراده آزاد اشتراک می نمایند. اعمال هر نوع محدودیت مستقیم یا غیر مستقیم بالای رای دهندگان و کاندیدان به ارتباط لسان، مذهب، قوم، جنس، قبیله، سکونت و موقف اجتماعی ممنوع است.

اصطلاحات حقوقی

آثار ازدواج: نتایج، صلاحیتها و حقوق مخصوص و یا مشترک بین زوجین که به مجرد انعقاد عقد ازدواج صحیح و نافذ، به وجود می آید.

آثار عقد: تمام وجایب که بعد از انعقاد عقد بالای متعاقدين لازم می گردد.

آثار مرور زمان: سقوط دعوی جزایی که عمل جرمی ارتکاب یافته غیر قابل مجازات محاسبه می گردد، اما مجرمیت فعل مذکور در آینده به حال خود باقی می ماند.

آرشیف: محلی که در آن اوراق و اسناد رسمی به طور منظم نگهداری می شود.

آزادی دلیل: حالتی که جرایم با هر نوع دلیل قابل اثبات باشد.

آزادی سیاسی: حقی که به اساس آن هر فرد می تواند به اراده و رضایت خود بدون مداخله دیگری در مطابق به احکام قانون آزادانه انتخاب شود یا انتخاب نماید.

آلات جارحه (جاربه): وسایل معمولی و عادی که در ارتکاب جرم از آن استفاده به عمل آمده و باعث جرحه می گردد. **آویز:** در معاملات تجارتي و بانکی مقصد از کار برد این کلمه معلوماتی است که راجع به فرستادن اموال یا کدام موضوع دیگر مربوط معاملات تجارتي به طرف مقابل داده می شود.

ابرا خط: سندی که داین از حقوق خود در برابر مدیون منصرف گردیده و سبب انقضای حق می گردد.

کمیته قوانین شورای وزیران طرح تنظیم امور جنگلات و دو مقرر دیگر را تأیید نمود

جلسه کمیته قوانین شورای وزیران، به ریاست آقای سرور دانش وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان روز پنجشنبه مورخ ۱۳۸۸/۴/۱۵ بر گزار شد.

در این جلسه سه مسوده، شامل طرح قانون جنگلات، طرح مقرر امور ذاتی کارکنان خدمات ملکی و طرح مقرر تنظیم حقوق تقاعد کارکنان خدمات ملکی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

کمیته قوانین شورای وزیران پس از بحث و بررسی همه جانبه، طرح قانون تنظیم امور جنگلات، طرح مقرر تنظیم حقوق تقاعد کارکنان خدمات ملکیو طرح مقرر امور ذاتی کارکنان خدماتی ملکی را مورد تأیید قرار داد و غرض طی مراحل بعدی به جلسه شورای وزیران جمهوری اسلامی افغانستان ارجاع داد.

شورای وزیران قانون احوال شخصیه اهل تشیع و طرح قانون منع خشونت علیه زنان را تأیید کرد.

طبق اجنداء جلسه؛ بازنگری در قانون احوال شخصیه اهل تشیع و طرح قانون منع خشونت علیه زن توسط وزیر عدلیه در جلسه شورای وزیران تحت ریاست حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان مطرح گردید.

قانون احوالی شخصیه اهل تشیع پس از اعتراضات مجدداً مورد بازنگری، تدقیق و مطالعه همه جانبه قرار گرفت که در نتیجه ۱۲ ماده قانون متذکره حذف و بعضی فقرات و مواد دیگر آن تعدیل یا ایزاد گردیده جهت تأیید به شورای وزیران ارائه شد. شورای وزیران بعد از بحث همه جانبه با حذف فقره ۳ ماده ۱۳۳ مورد تأیید قرار داد.

متعاقباً طرح منع خشونت علیه زن توسط وزیر عدلیه به جلسه ارائه شد با نظر داشت ماده سوم قانون اساسی و مشکلات که جامعه از ناحیه جرایم خشونت علیه زنان به آن مواجه گردیده طرح این قانون بنا بر اهمیت و سازگاری آن با اسلام از سه سال بدین سو مورد تحقیقات همه جانبه قرار گرفت. در این قانون موارد خشونت علیه زن تثبیت و رعایت اصل تناسب جرم و جزاء برای مورد خشونت پیشبینی شده که با تطبیق احکام آن جلو نارسایی های کنونی حقوقی در پرتو حقوق مشروع زنان گرفته شده، مصونیت و حمایت زنان در روشنی شریعت اسلام فراهم گردیده است. شورای وزیران بعد از بحث همه جانبه روی مواد آن طرح قانون منع خشونت علیه زن را با یک سلسله تغییرات و تعدیلات مود تأیید قرار داده وزارت عدلیه را موظف نمود تا طبق تذکر جلسه با ورود تصحیحات لازم قوانین متذکره را نهایی و طبق صراحت ماده ۷۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان فرمان تقنینی قوانین متذکره را ترتیب و غرض توشیح به ریاست جمهوری اسلامی افغانستان ارائه نماید.

گزارش سه روزه آموزشی آگاهی عامه حقوقی

این سیمینار با سعی و تلاش آمریت آگاهی عامه حقوقی ریاست عمومی حقوق مرکز و همکاری موسسه UNDP در سالون ریاست عمومی حقوق مرکز غرض ارتقای ظرفیت کاری مبلغین آگاهی عامه حقوقی نواحی هفده گانه ولایت کابل دایر گردیده بود و به مدت سه روز دوام نمود.

در روز اول این سیمینار کهحوالی ساعت ۹ قبل از ظهر مورخ ۱۳۸۸/۴/۱۵ با تلاوت آیاتی از قران مجید آغاز گردید که نخست محترم قانونپال محمد نسیم برنا رئیس عمومی حقوق مرکز با بیانیه شان رسماً سیمینار را افتتاح نمود و اهمیت این سیمینار را به حاضرین سیمینار بسیار ارزشمند دانست و اضافه نمود موضوعاتی را که آموزش می بینید در رشد و ارتقای ظرفیت کاری مبلغین نهایت مفید می باشد. وی از کسانی که در دایر نمودن این سیمینار تلاش نموده بودند قدر دانی به عمل آورد.

سپس محترم جمعه پیمان نماینده و ترینرموسسه UNDP در مورد شیوه های همکاری و هماهنگی این اداره با کمیسیون حقوق بشر و آمریت آگاهی عامه ریاست عمومی حقوق مرکز صحبت نمود و علاوه تا به معرفی مختصر مطالب آموزشی و ترینران به اشتراک کنندگان معلومات ارایه نمود.

بعداً محترمان حمید الله و خلیق پیرامون سیر تاریخی حقوق بشر و سیرتاریخی حقوق زنان و جهان اسلام صحبت نمودند بعداز ظهر همان روز موضوع آشنایی با نهاد پولیس توسط محترم عبدالرحمن عظیمی آمر آگاهی عامه حقوقی تدریس گردید که تا ساعت ۳ عصر ادامه پیدا نمود.

در روز دوم این سیمینار که ساعت ۹ قبل از ظهر آغاز گردید ابتدا مروری به دروس گذشته صورت گرفت و روی وظایف و صلاحیت های پولیس معلومات بیشتر ارایه گردید متعاقباً نماینده کمیسیون حقوق بشر در مورد کارکرد ها و چالش های موجود کمیسیون حقوق بشر برای حضار معلومات مفصل ارایه نمودند. جلسه بعد از ظهر طبق معمول ساعت ۱/۳۰ آغاز گردیده که پیرامون موضوعات حقوق مالی زن توسط نماینده موسسه UNDP محترم ذبیح الله کلیم به اشتراک کنندگان تدریس گردید.

در روز سوم سیمینار مطابق روز های قبلسیمینار ساعت ۹ قبل از ظهر آغاز گردید که در ابتداء مرور به دورس گذشته صورت گرفت که بعداً توسط نماینده موسسه UNDP محترم جمعه پیمان موضوعات حقوق طفل به شاملین سیمینار تدریس گردید. به تعقیب آن موضوع آشنایی با ادارات حقوق وزارت عدلیه توسط خانم گلالی سنگر خیل عضو آمریت آگاهی عامه ریاست عمومی حقوق مرکز به حاضرین تدریس گردید.

در بعداز ظهر روز اخیر سیمینار موضوع آشنایی با نهاد سارنوالی توسط محترم فیض الله خواجه امانی عضو آمریت آگاهی عامه حقوقی ریاست عمومی حقوق مرکز به اشتراک کنندگان سیمینار تدریس گردید بعداً یک مقدار کتب، پوستر و مجلات که از طرف موسسه UNDP آماده گردیده بود با یک جلد قانون اساسی جیبی که از طرف ریاست عمومی

حقوق مرکز تهیه شده بود به حاضرین توزیع گردید. سپس فیض الله خواجه امانی از تیم کاری موسسه UNDP و کمیسیون حقوق بشر قدر دانی نمود و از آنها خواست که همیشه همکاری های شان با این اداره دوام دهند و در عرصه های مورد نظر همکاری نمایند.

در اخیر یک تعداد سرتفکیت های که از طرف موسسه UNDP برای اشتراک کنندگان در نظر گرفته شده بود توسط محترم قانونپال محمد نسیم برنا رئیس عمومی حقوق مرکز به آنها توزیع گردید. مجلس با دعای خیر وسعدت خاتمه یافت.

کنفرانس مطبوعاتی وزیر عدلیه پیرامون قوانین رسانه های همگانی، احوال شخصیه، محوخشونت علیه زنان و تشکیل و صلاحیت کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی

وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان، طی یک کنفرانس مطبوعاتی که روز چهارشنبه ۱۷ سرطان ۱۳۸۸ در وزارت عدلیه بر گزار شد، در مورد چهار قانون مهمی که پس از مدت زمان زیاد به تصویب رسیده است به خبر نگاران و رسانه های همگانی معلومات ارائه نمودند.

این قوانین عبارت اند از:

-قانون رسانه های همگانی

-قانون تشکیل و صلاحیت کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی افغانستان

-قانون احوال شخصیه اهل تشیع

-قانون منع خشونت علیه زن

جهت اطلاع خوانندگان محترم لازم دیدیم فراز هایی از سخنان جلالتماب سرور دانش وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان را در مورد قوانین متذکره به نشر بسپاریم.

قانون رسانه های همگانی

آقای دانش در مورد طرح قانون رسانه های همگانی گفت که این قانون تقریباً چهار سال قبل از طرف حکومت تهیه و به شواری ملی ارائه شده بود و نظریات متفاوتی پیرامون این قانون مطرح بود از آن جمله تعارض با ماده ۱۲۱ قانون اساسی بود. به اساس هدایت رئیس جمهور قانون رسانه های همگانی با ضمیمه قرار قضایی ستره محکمه نشرمی گردد. مطابق نظریه ستره محکمه و قرار قضایی آنها، بخشی از ماده سیزدهم بخاطر مغایرت با قانون اساسی افغانستان، قابل تطبیق نیست بقیه موارد، نافذ و قابل تطبیق می باشد.

قانون احوال شخصیه

وزیر عدلیه درباره قانون احوال شخصیه چنین معلومات داد که تصویب این قانون حد اقل سه سال را در بر گرفته است و اما از تاریخ حکم رئیس جمهور (۱۶ حمل ۸۸) مبنی بر باز نگری و تعدیل آن کارهای زیادی روی آن انجام دادیم. در مرحله اول مشوره ها و جلسات متعددی برای جمع آوری نظریات، انتقادات و اعتراضات با نهادهای مدنی و مراکز علمی برگزار شد. همچنین قوانین احوال شخصیه کشورهای اسلامی را شخصاً مرور کردم چون در همه جا و در کشور های اسلامی قانون احوال شخصیه مطابق فقه و باورهایی است که مردم یک کشور دارند.

طرح اولیه تعدیل تهیه شد. در مجموع آنچه به اصل محتوا ارتباط دارد چیزی در حدود هفتاد مورد است، این هفتاد مورد بدین صورت است که در حدود ۱۷ ماده به طور کلی حذف شده است چهار ماده آن در ولسی جرگه حذف شده و سیزده ماده در تعدیل جدید حذف شده است بیست مورد همراه با ایزاد تعدیل شده است که جمعاً چیزی در حدود هفتاد مورد می شود.

قانون تشکیل و صلاحیت کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی افغانستان

وی در این مورد اظهار داشت که طرح این قانون هم در اولین سال کاری شورای ملی، از طرف حکومت تهیه و از طرف شورای وزیران تأیید و خیلی عاجل به پارلمان فرستاده شد ولی متأسفانه وقت زیادی را دربر گرفت تا به مرحله فعلی برسد.

در این قانون هم یک مورد مشکل داشت به خاطر همین موضوع این قانون به ستره محکمه فرستاده شد و آنها قرار صادر کردند که این مورد با قانون اساسی مغایرت دارد. در مورد این قانون هم هدایت رئیس جمهور هفته گذشته به وزارت عدلیه موافقت کرد که این قانون هم مثل قانون رسانه ها و لی با قرار قضایی ستره محکمه یکجا نشر شود. این قرار قضایی هم در اول قانون چاپ می شود و مواردی را که ستره محکمه نظر داده که مغایر قانون اساسی است، قابل تطبیق نیست.

قانون منع خشونت علیه زن

وزیر عدلیه در مورد اهمیت قانون منع خشونت علیه زن یادآور شد که در سالهای اخیر موضوع خشونت علیه زن یکی از موضوعات عمده و یکی از چالشهای اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و قضائی در افغانستان بوده است. متن این قانون گرچه کوتاه و شاید بیشتر از ۴۴ ماده نباشد اما محتوای آن بسیار مهم است. در این قانون اصل خشونت علیه زن یک جرم پنداشته شده است. در بخش دیگری از این قانون فصل خاصی است که راجع به ۲۲ مورد احکام جزایی پیش بینی شده است. یعنی وقتی کسی مرتکب یکی از اعمال ۲۲ گانه می شود باید تحت تعقیب عدلی قرار بگیرد و محکمه مطابق این قانون، جزا تعیین کرده فیصله صادر کند. این جزاها در بعضی موارد از اعدام گرفته تا حبس های کوتاه مدت پیش بینی شده است. این قانون از نظر حکومت نهایی و مورد تأیید قرار گرفته است.

در ارتباط با همه قوانین چیزی که مهم است تطبیق قانون است، تدوین و تصویب و انتقادات کار آسانی است، وقتی ما قانونی را به تصویب می رسانیم در همان حد باید حکومت و ارگانهای قضایی و امنیتی، توان، ظرفیت و آمادگی را داشته باشند تا قانون را تطبیق کنند و مردم نیز برای تطبیق قانون همکاری کنند.

دیدار وزیر عدلیه و سفیر ایالات متحده آمریکا از توقیف خانه مواد مخدر در کابل

آقای سرور دانش وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان و آقای ایکن بیری سفیر ایالات متحده آمریکا در افغانستان روز چهارشنبه از توقیف خانه اختصاصی مجرمین مواد مخدر، محکمه و سارنوالی اختصاصی مواد مخدر دیدار نموده و با مسئولین توقیف خانه، محکمه و سارنوالی اختصاصی مواد مخدر گفتگو نمودند. همچنین وزیر عدلیه و سفیر ایالات متحده آمریکا از افراد توقیف شده نیز بازدید نموده و در مورد وضعیت توقیف خانه و مشکلات و پیشنهادات آنها صحبت نمودند.